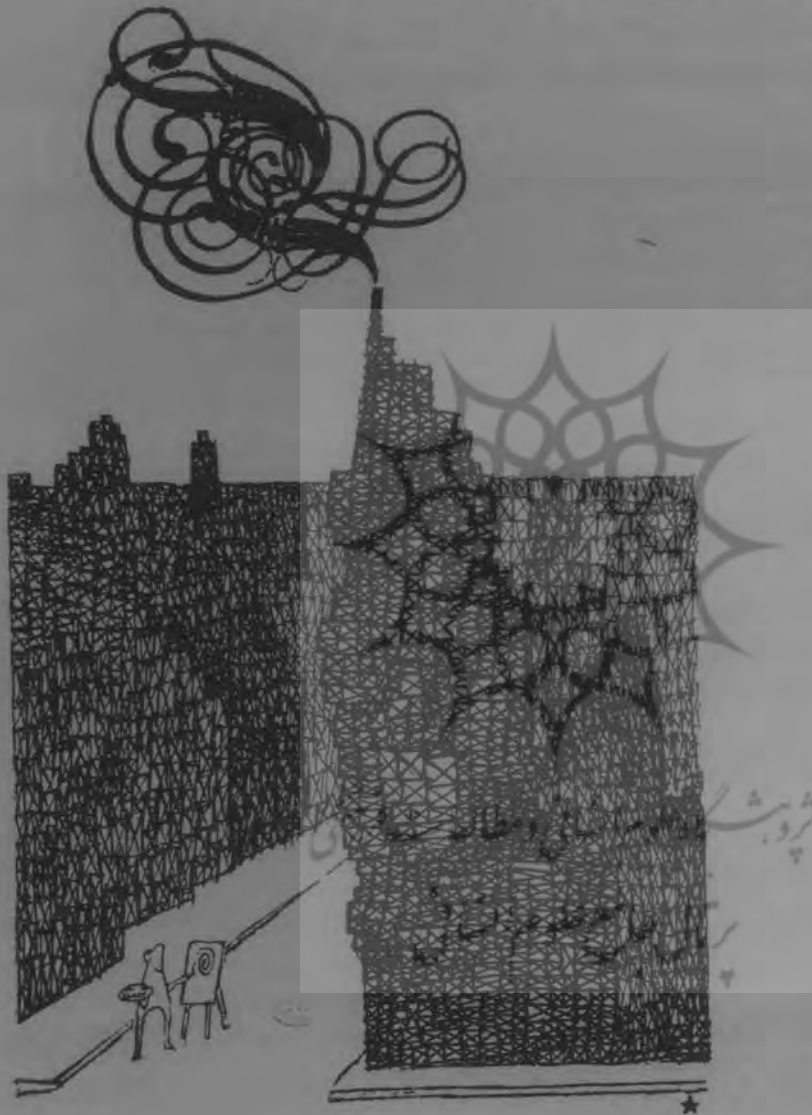


جان جیراسی
ترجمه: بابک قهرمان

بازار مشترک آمریکای لاتین ، طرح دیگری برای چپاول



یکی از براهینی که تجار ، سیاستمداران ، اقتصاددانان ، رهبران کارگری مرتبا برضد «اتحاد برای پیشرفت» میاورند ، فزونی خسارات ناشی از بالا رفتن قیمت کالاهای وارداتی و پائین آمدن کالاهای صادراتی است . اینها معتقدند که آمریکای لاتین مجبور است ارزان بفروشد و گران بخرد . بجای دیگری ، اگر درسال از قیمت یک پوند قهوه بمیزان یک سنت کم شود ، تمام درآمد های ناشی از وامها و هدایای « اتحادیه » ، سرمایه‌گذارهای خصوصی ، و سرمایه‌گذاری مجدد درآمدهای داخلی کشورهای برزیل ، کولومبیا و ال سالوادور یکجا ازبین خواهد رفت . یا اگر قیمت پشم ازوگونه بمقدار ۱۰ سنت در ازای هر پوند کاهش یابد تمام اعتبار سالانه این کشوربرباد خواهد رفت . همچنین ، کاهش قیمت مس شیلی بمیزان یک سنت برای هر پوند ، برقی معادل ۷ میلیون دلار بالغ خواهد شد . بنا برتعقیبه آمریکائیان لاتین ، با بالا رفتن قیمت یک‌دستگاه تله‌ویزیون بمیزان یک دلار ، آمریکای لاتین در سال تقریبا ۱۵ میلیون دلار از دست میدهد ، و افزایش قیمت یک اتوموبیل وارداتی باندازه صد دلار تقریبا ۵۵ میلیون دلار باین قاره خسارت وارد میسازد . واضح است که قیمت‌های دستگاه های تله‌ویزیون و اتوموبیل دائما بالا میروند ، درصورتیکه قیمت‌های قهوه ، پشم و مس آمریکای لاتین بطور روزافزون تنزل می‌کنند .

همانطور که در جایی دیگر نیز گفتیم (۱) این غرولندها ، باوجود اینکه از لحاظ آماری صحیح است ، دراصل بی‌اعتبار است . اگر آمریکای لاتین ، قهوه ، پشم و مس خودرابکسی بفروشد که میخواهد ، راه رستگاری را یافته‌است . برای مثال ، شوروی بارها پیشنهاد کرده است که بطور پایاپای به‌ازوگونه نفت بدهد و پشم بگیرد . مخالفین کشورهای کمونیستی فوراً بعدا درآمدند که اصولا معاملات پایاپای غیرعادلانه هستند . اینگونه معاملات تجارت آزاد را محدود می‌کنند ، از بدست آوردن درآمدهای نقدی جلوگیری بعمل می‌آورند ، و دخالت دولت را موجب میشوند (مثلا دولت درآمدهای حاصله از توزیع داخلی نفت را در اختیار گوسفندداران می‌گذارد) . این صحیح ، ولی در یک چنین معامله‌ای دولت دیگر برای وارد کردن نفت دلاری نمی‌پردازد و شرکت‌های شل و تکزاکو را که درآمدشان را ضمن تبدیل دلار پایالات متحده می‌فرستند از میدان

درعین حال بوجود آوردن هرگونه محدودیت در واردات و صادرات را نیز ممنوع شمرده است . در قرن بیستم ، توسعه با تدابیر میانه و نیم‌بند امکان‌پذیر نیست ، اگر قهوه زیاد و گوشت کم است ، فقط یک راه‌حل برای ازبین بردن عدم تعادل فوق موجود است و آن اینکه قهوه‌کاران را وادار بکم کردن محصول کنند و به‌دامداران یاری رسانند . و اگر اینها خود حاضر بپذیرفتن پیشنهادها نشدند دولت دخالت ورزد . اگر کمبود نفت و نیروی برق وجود دارد ، مازاد محصولات

بدر می‌نماید . و دیگر اینکه ، دولت‌های آمریکای لاتین باید جلوی ورود تله‌ویزیون را بگیرند ، و در ازای گوشتی که صادر می‌کنند کارخانه‌ای برای ساخت تله‌ویزیون وارد نمایند . آمریکای لاتین ، باید قبول کند که قاره عقب مانده‌ایست و راهی جز صنعتی شدن ندارد و مادام که روی پای خود تکیه کرده است از وارد کردن اجناس لوکس خودداری کند .

صندوق بین‌المللی پول در حال حاضر اینگونه « ریاضت‌کشی » ها را پیشنهاد کرده است ، ولی

تولید شده کشور را درازای نفت و طرحهای ایجاد نیروی برق بفروش برسانند - نازمانی فرا رسد که نیروی برق فراوان و ارزان شود ، و تمام کارخانجات و خانهها ، قطارها با نیروی برق مجهز شوند ، و واردات نفت باندازه زیادی پائین بیاید .

مثلا ، اروگوئه دارای رودخانهها و منابع آبی فراوانی است که می تواند صد برابر میزان برق کارخانههای فعلی ، با ساختن نیروگاههای برق آبی ، نیرو تولید کند . معلوم است ، که اینگونه طرحها ، میلیاردها دلار خرج بر میدارند . ولی خوشبختانه ، البته برای اروگوئه ، رقابت جنگ سرد بین روسیه و ایالات متحده ، علاوه بر زمینههای دیگر ، زمینههای تجارتي را نیز شامل میشود . اگر یکی از دو کشور فوق ، مایل نباشد که در مقابل فروش مثلا بیست سال پنبه ، باروگوئه بطور تهاجمی نفت بفروشد و یا بتاسیس نیروگاههای برق آبی بپردازد ، کشور دیگر حاضر خواهد بود . البته ، اینگونه معاملات نباید ضرورتی تا این حد وسیع باشند . می توان مقدار کمی پشم فروخت ، و یک کارخانه برق آبی خواست . آنگاه ، از محل درآمد فروش برق این نیروگاه ساختن کارخانههای دیگر اقدام کرد ، و نظایر آن . البته ، لازمه ادامه فعالیت های فوق اینست که اولین کارخانه برق آبی ساختن کشور مورد ذکر قرار گیرد . خوشبختانه اروگوئه دارای این امتیاز هست . ولی در آمریکای لاتین ، بطور کلی ، از هر ده موزه مربوط به بهره برداری عام ، نه (۹) موزه به شرکت های خارجی بخصوص شرکتهای آمریکایی متعلقند . (و در تمام اینگونه موارد ، موسسات عام المنفعه ، چه کارخانجات برق باشند ، و چه ادارات نقلی ، تولید گاز ، یا موسسات حمل و نقل ، محصولی گرانتر و مستتر با خدماتی باثباتر ارائه میدهند .)

آمریکای لاتین باید راه مبارزه برای توسعه خود را بیاموزد . هیچکس بکمک این کشورها نخواهد شرافت . گفته قدیمی ، کسی بخارد پشت من ، جز ناخن انگشت من ، در مورد این ملتها نیز سابق است . محققا ، همانطور که دیده ایم ، اتحادیه پیشرفت اهل بدل و بخش نیست . بسیاری از آمریکائیان لاتین شاکي ، که « دنت و دل بازی » آمریکائیان را می ستایند ولی اهل کتب و کار این کشور را بخاطر کاستن قیمت کالاهای خریداری و افزودن قیمت کالاهای صادراتی مورد سرزنش قرار میدهند این نکته را در نظر نمی گیرند . اینها متفکرین پسونگری هستند که عاطفه گرایی (سانتی ماننالیزم) فلسفی ومیهن پرستی اقتصادی را با یکدیگر درمی آمیزند . آنچه که در زیر می آید نمونه های جالبی است :

اتریکو اسکوار ، سناتور کولومبیائی ، حقوقدان و تاجر ، ورئیس سابق انجمن ملی صنایع که ضد کمونیستی متعصب و یکی از دشمنان کاسترو است چنین میگوید :

« اگر اتحادیه پیشرفت قیمت قهوه رابه سطحی عادلانه برساند ، فقط لفاظی کرده است .

ما ، در سال اول اتحاد ، دو برابر بیشتر از آنچه که از اتحادیه بدست آورده ایم ، باختیم . مواد خام تمام اقتصاد ما را تحت کنترل خود دارند . موافقت نامه جهانی قهوه بجز یک حبه چیز دیگری نیست . آمریکائیان می آیند و بمایمگویند که زنان کدیابوی آمریکائی از بالا رفتن قیمت قهوه دلخور میشوند ، و با ما مانند گدایان رفتار می کنند . وقتی که قیمت قهوه یک دلار برای هر کیلو بود ، ما از طریق همین قلم کلای صادراتی عمده خود در ماه ۵۳ میلیون دلار درآمد داشتیم . اکنون که قهوه بیشتری برای فروش داریم ، چون برای هر کیلو قهوه ۱۰ سنت پول دریافت می کنیم ماهانه فقط ۳۳ میلیون دلار بدست می آوریم در حالیکه برای کالاهای وارداتی خود پول بیشتری می پردازیم . یا برای قهوه ما قیمت بهتری بدهید یا - گوش شیطان کر - توده ها در لباس مارکسیست های انقلابی همه ما را بدریا خواهند ریخت .

و این یک مورد دیگر :

گوئی لرموا بدرگال ، رئیس کمی بول ، یعنی شرکت دولتی بولیویائی استخراج معدن ، که مرید کار آمد ، مخالف با بیطرفی و ناسیونالیست طرفدار ایالات متحده است ، و با وجود سروصورت دادن بمماین قبیع کشور ، اقدام بر ضد نظام ایجاد اشکال حکمی (۲) برای بالا بردن کارائی معادن ، و مدرن ساختن نحو ، بهره برداری ماهانه ۵۰۰ هزار دلار کسری داشته است معقد است که :

« ایالات متحده نسبت به بولیوی نسبت و دل بازی زیادی کرده است . ولی توسعه کامل از طریق وام ها و هدایا انجام پذیر نیست . ما باید خود توسعه خود بپردازیم . و تنها منبع درآمد ما قلع است . اغلب مسائل ما ، یعنی همه آنها ، اگر قیمت قلع بالا میرفت ، در ظرف یکشب حل میشد . و اینهم یک عقیده دیگر :

زلمر میچه لینی ، معاون حزب لیبرال و رفاه گستر کرا دو ؛ که زمان دوازی یکی از اعضای گروه « ترکیبای جوان » طرفدار فوئیستی بتل برس و دوست صمیمی او بود ، ولی اکنون بعزت مخالفت با اتحادیه پیشرفت ، با وجود شرکت در خیزش از قبل که مخالف اتحادیه نیست دوری گرفته و ضد مارکسیست محکمی است (« من نمی توانم با فیدل کاسترو موافق باشم ») و در کشورش شهرت نسبتا خوبی دارد چنین میگوید :

« فکر می کنم که تشکیل اتحادیه پیشرفت یک اشتباه بود . نیمکره آمریکای لاتین به صدقه احتیاج ندارد ، آنچه که آمریکای جنوبی می خواهد تثبیت قیمت مواد خام و قیمت های عادلانه برای کالاهای صنعتی مورد نیاز ما است . »

والتج . براهین وارده بر ضد اتحادیه فوق این سوال را مطرح می کنند که : « چرا باید ایالات متحده بایکدمت بما کمک کند و با دست دیگر آزارمان دهد . » ولی این چنین براهین بر مجموعه ای از فروض غلط استوار شده اند . فرض اول اینکه ، دولت ایالات متحده با تاجر قهوه ، من و یا پشم یکی است . دوم ، « اتحادیه »

درصد است که اقتصاد آمریکای لاتین را مستقل و خود استوار سازد . سوم ، مردم ایالات متحده بهمان سادگی که حاضر به واگذاری مالیات های خود به آمریکای لاتین شده اند تن به کنترل نوسانات قیمت ها نیز خواهند داد .

آنچه که باعث قبول چنین فروض مغفوطی از طرف همسایگان ما شده است ساده لوحی آنهاست : آنها ضد کمونیست و طرفدار آمریکا هستند . بنا بر این می پندارند که اولاً دوستان ما هستند ، و ثانیاً یک فلسفه سیاسی مشترک باید بیک فلسفه اقتصادی مشترک [بین ایالات متحده و آمریکای لاتین] بینجامد . اینکه ، این یک نوع زود باوری است از آنجا معلوم میشود که اولاً ، دولت ما در ضمن اینکه جنوی مبادلات تجاری کشورهای آمریکای لاتین باشوروی را می گیرد ، به تاجر ما و دوستان اروپائی ما اجازه میدهد که با کشورهای شرق رابطه تجاری داشته باشند . ثانیاً ، در حالیکه ما فروش « مواد خام ضروری ملی (استراتژیک) را از طریق عقد قراردادهای نظامی با آمریکای لاتین ، و مساعدت های متقابل به کشورهای کمونیست منع کرده ایم ، خود اینگونه مواد را از آنجا می خریم و به کمونیست ها می فروشیم . ثالثاً ، ما بغلط - تصور می کنیم که برای محفوظ نگه داشتن آمریکای لاتین بعنوان بازاری برای فروش مازاد کالاهای ساخته شده خود ، و بعنوان منبعی برای تامین کمبود مواد خام مورد نیاز ، باید این قاره را عقب مانده و یا نیمه عقب مانده نگه داریم .

باید رنظر گرفتن حقایق فوق ، با اضافه این حقیقت که از طریق گران فروختن و ارزان خریدن به کمبود دلار خویش سروصورتی میدهیم ، هیچگاه (بجز برای حفظ ظاهر) جنوی نوسانات قیمت های کالاهای آمریکای لاتین را نخواهیم گرفت .

بسیاری از این نوسانات را سبب و یا خود دولت ما بعد بوجود میاورند . برای مثال ، در اوائل سپتامبر ۱۹۶۱ ، درست دو هفته بعد از کنفرانس پونتادولست که در آن قول فروش بهتر کالاهای آمریکای لاتین را داده بودیم ، اعلام کردیم که برای جلوگیری از بالا رفتن قیمت قلع در دنیا مقدار معتنابهی از ذخایر قلع خود را وارد بازار خواهیم کرد . همانطور که انتظار میرفت ، بولیوی خشکین شد . در ۱۴ سپتامبر روزنامه پرزسنیای لایاز ، که کاتولیک و طرفدار آمریکاست فغان بر آورد که « سیاسی که بچنین وضعی بینجامد نمی تواند سازنده باشد ، و با روح برنامه های اتحادیه برای پیشرفت هماهنگ نیست . » در ۱۸ سپتامبر رئیس جمهور بولیوی ویکتور پاز استن سورو که اغلب از انتقاد آشکار ایالات متحده خودداری می کرد ، ضمن ارسال تلگرافی (که در روزنامه رسمی لائاسیون ۱۹ سپتامبر چاپ شد) « ناراحتی و هراس عمیق » خود را از « اعلامیه ایالات متحده » ابراز داشت . وی افزود که « بجاست قول های مکرر دولت گرایی و برجسته شما را در مورد حفظ منافع دولت بولیوی در نظر می گیریم مسئله قلع بخاطر جنای عالی



برسانم (رقابت مکارانه ایالات متحده)
(دامینیک) (۳) با مقاصدی که در اعلامیه
پونتادولست انتشار یافت هماهنگی نیست .

استن سورو ، سفیری راکه قرار بود در
سپتامبر ۱۹۶۲ به ایالات متحده بعمل آورد بعثت
اعلام مجده اینکه آمریکا ۵۰ هزار تن از مازاد
قنغ خود را وارد بازار خواهد کرد لغو نمود .
یک چنین رقابت‌هایی قیمت‌های بین‌المللی قنغ را
پائین می‌آورد ، و هر بار که چنین میشود بدولت
بولیوی ضربه‌ای کاری می‌خورد . عجیب اینستکه ،
روزنامه نیویورک تایمز در ضمن مقاله‌ای کمک‌های
فراوان آمریکا را به بولیوی یادآور خوانندگان
کرد و چنین نتیجه گرفت : « اصلاح بولیوی
نیست که عزت تخم طلائی خود را بکند ، خدیت
با آمریکا ، خود بولیوی را بیشتر از ایالات متحده
دچار خسران می‌کند . » والته ، این موضوع
شرطه ملی کردن دارائی‌های ایالات متحده و
فروش مواد خام به شوروی نیز صادق است .

ولی تجار و با دولت آمریکا می‌توانند ،
علاوه بر قنغ در سایر کالاها نیز نوساناتی بوجود
بیآورند . مثلاً ، قیمت جهانی می فقط بتوسط
مشتی معامله‌گر انگلیسی و آمریکائی تعیین میشود .
اینها از طریق کنترل تولید می‌درشیلی ، پرو ،
کاتانگا و ایالات متحده ، و کارخانجات ذوب این
فنز در انگستان و ایالات متحده ، قیمت می
استخراج شده از معادن را مرتب پائین برده و
آنها به کشورهای پشت پرده آهینین قیمت زیادی
فروخته‌اند . در فوریه سال ۱۹۵۶ معلوم شد که
می‌شیلی با اجازه رسمی آمریکا از طرف انگستان
به شوروی فروخته شده است . ماهمین مستکارها
را نیز در کار خرید و فروش قهوه ، پنبه ،
سرب و روی بعمل می‌آوریم .

در دفاع خود باید بطور صریح و روشن
گفته شود که سازمانیکه تولیدکنندگان آمریکائی
لاتین نیروهای خود را در زمینه سیاست‌های
خرید (بعنوان یک سلاح تهدید اقتصادی) و
فروش هماهنگ نکنند و پیشنهادات تهازتری روسیه
را بعنوان اهرمی دیگر بکار نبرند ، در شرایط
رقابت آزاد فعلی قیمت کالاها در هر صورت مانند
حالات کنونی نوسان خواهد داشت (اغلب
نزول خواهد کرد) . بدون روش‌های مذکور ،
نوسانات قیمت‌های کالاها کماکان ادامه خواهند
یافت .

یکی از دلایل نوسانات فوق ، تغییرات
فصلی قیمت‌ها (عمدتاً محصولات کشاورزی)
است . برای مثال از ۱۹۰۱ ، متوسط سالانه نوسان
میانگین قیمت‌های کاکائو ، قهوه ، پنبه ، پشم
و شکر ۲۷ درصد بوده است .

دو علت دیگر - یعنی تغییرات دوره‌ای
(تغییرات تقاضاها) و تغییرات تمایلات (تغییر
در سلیقه مصرف‌کننده) را نمی‌توان بسادگی
تشخیص داد ، گرچه ، تغییرات دوره‌ای بود که
موجب تغییر قیمت سرب و روی (که ایالات
متحده برای وارد کردن آنها سهمیه‌گذاری کرده
است) بمیزان ۱۸ درصد در سال ، و تغییر قیمت

می به مقدار ۱۵ درصد ، و پشم بمقدار ۱۷ درصد
شد . تغییر تمایلات یعنی سلیقه مصرف‌کننده نیز
موجب شده که قیمت‌های قنغ ، پنبه ، ذرت و گوشت
بین ۱۱ تا ۲۱ درصد افت داشته باشد . عوامل
دیگری که بر روی صادرات تأثیر می‌گذارند عبارتند
از تغییرات تکنولوژیکی (اختراع و مقبولیت عم
قهوه‌های فوری - فرانس - ضربه‌بزرگی - ضد قهوه‌زد)
و بوجود آمدن نواحی تازه تولید (آفریقا - در
سالهای اخیر) .

تا بحال تدابیر جندی برای محدود کردن
نوسانات فوق چه در سطح جهانی و چه در سطح
منطقه‌ای اتخاذ شده است ، از تدابیر فوق ، سه
تدبیر ، سهمیه‌بندی (قهوه) ، موافقت برای
تأمین ذخیره (قنغ) ، و قراردادهای
چند جانبه (گندم) را می‌توان نام برد .
هیچکدام از سه تدبیر فوق براساسی بی‌عیب نیستند .
سهمیه‌بندی میدان حرکت آزاد نیروهای بازار را
محدود می‌کند و قادر بوجود آوردن عدالت نسبی
بین تولیدکنندگان برخرج و کم‌خرج نیست ، و
بعلاوه موجب میشود که تولیدکنندگان جدید و
تولیدکنندگانی که محصول اضافی دارند به قنغ
بین‌المللی محصولات خود (بمقدار زیاد در مورد
قهوه) دست بزنند .

نظام برنامه‌گذاری تأمین ذخیره ، بعث اینکه
ذخیره مازاد تولید را برای روزهای تیکه بالاخره
تقاضا از عرضه فائز می‌رود ، در نظر دارد برای
علاج عدم تعادل موقت بین عرضه و تقاضا مصلحت
است . ولی چون ، در این قاصه ، یعنی فاصله
زمانی رسیدن میزان تقاضا به محصول ذخیره شده ،
تولیدکنندگان مجبورند که بستگاه خود را از محل
پس‌اندازند اندازه کنند ، برای توسعه بیشتر
سنگه تولیدی نمی‌ماند .

در نظام قراردادهای چند جانبه ، واردکنندگان ،
قبل از اینکه تولید آغاز شود قراردادهائی در
زمینه حداقل خرید و حداقل قیمت با تولیدکننده
اهضاء می‌کنند و در عوض صادرکنندگان قبل از
اینکه تولید را شروع کنند قیمت‌های بازار را
تعیین حداقل میزان کالای ارائه شده و حداکثر
قیمت‌ها با هم می‌رسند . اینگونه قراردادهای فقط
موقتی مفید اثر واقع میشوند و جابجائی نوسانات
را می‌گیرند که خود ااران و فروشنندگان جهان
یکجا بتوافق برسند - امری که احتمال وقوع آن
بسیار کم است .

برای کاهش نوسانات ، منابع بین‌المللی
دیگری نیز وجود دارند . ولی برای موفقیت
آنها به برنامه‌گذاری و کنترل یکایک کشورهای
شرکت‌کننده ، و به همکاری و نیت خیر بین‌المللی
احتیاج است . تا زمانیکه جنگ اقتصادی سلاح
مناسبی برای جنگ سرد است ، طرح مشابه
همکاری بین‌المللی کار عبثی است . هم‌اکنون
کشورهای آمریکائی لاتین بظاهر دست اندرکار
بعضی اقدامات ضروری در جهت برنامه‌گذاری
همگانی می‌باشند .

این اقدامات در جهت یکپارچگی اقتصادی
آمریکائی لاتین بعمل می‌آیند که فعالیت‌های خود را

در دو بخش متمرکز کرده‌اند . اول ، اتحادیه
تجارت آزاد آمریکائی مرکزی (سافتا) (۵) ،
و دوم ، اتحادیه تجارت آزاد آمریکائی لاتین
(لافتا) (۶) . گرچه ، اتحادیه تجارت آزاد
آمریکائی مرکزی (سافتا) از نقطه نظر عمی ،
جزئیک موسسه بی‌اهمیت چیزی نیست ، ولی
ایالات متحده ، سازمان کشورهای آمریکائی و
سازمان ملل هر سه برای برآه انداختن ایندو
اتحادیه کوشش می‌کنند . اتحادیه پیشرفت ، برای
موفق شدن این دو اتحادیه ، بخصوص اتحادیه
تجارت آزاد آمریکائی لاتین (لافتا) ، والته
(سافتا) ، اهمیت زیادی قائل است و باعضای آن
در زمینه فراهم آوردن مقاوله‌نامه‌ها و قراردادهای
و تدابیر یکپارچه کردن اقتصادی ، فشار زیادی
وارد می‌آورد .

در برآه ساختن ایندو اتحادیه ، البته ، از
بازار مشترک اروپا الهام گرفته‌اند ، بازاری که
موفقیت آن روز بروز محسوس‌تر میشود . در
سالهای اول فعالیت خود ، بازار مشترک بصورت
پرسش‌ترین واحد اقتصادی جهان درآمده است .
در سال ۱۹۶۰ ، تولید صنعتی بازار مشترک برقم
باور نکردنی ۱۲ درصد ، و تولید فاضلی ملی آن
به ۷ درصد در مقابل ۵ درصد برای آمریکا
رسید . معتقدان به یکپارچگی اقتصادی آمریکائی
لاتین چنین امیدها و هدفهائی را در سر
می‌پروراند .

در شماره دیگر تقدم میشود

حواشی

۱ - مقصود فصل اول کتابی است که
مقاله حاضر از آن گرفته شده است . مترجم .

۲ - Featherbedding ، شرایطی
که اتحادیه های کارگری برای استخدام هرچه
بیشتر کارگر بکار می‌برند . در این صورت تعداد
کارگران پیش از تعداد کارگر ضروری است .
مترجم .

۳ - Lumping - فروش یک کالا در
بازارهای خارجی با قیمتی کمتر از بهای آن در
بازارهای داخلی . مترجم .

۴ - عقد قرارداد بمنظور ذخیره کالا برای
تقلیل نوسانات قیمت های محصولات اولیه .

۵ - Central American Free Trade
Association - CAFTA

۶ - Latin American Free Trade
- LAFTA